

باورهای عامیانه ترکمنان (بخش ششم)

باورهای مرتبط با جانوران

قسمت نخست

■ ترجمه و تألیف: آناوردی کریمی

نویسنده، مترجم و پژوهشگر

فرهنگ و ادبیات ترکمن



■ چکیده

بخش عمده‌ای از باورهای اقوام جهان با طبیعت گره خورده و از میان تمامی گونه‌های طبیعی، چون جانوران از خود رفتارهای مختلف و متفاوتی بروز می‌دهند، باورهای مرتبط با آنان نیز بیشتر و گسترده‌تر است. اقوام ترکمن ساکن در سراسر نقاط جهان نیز به دلیل سبک زندگی ایللیاتی آنان، که تا یک سده‌ی گذشته بسیار پُررنگ بود، با عموم جانورانی که در محل زندگی خود و یا در مسیرهای کوچ خود می‌دیدند، ارتباط تنگاتنگی داشته‌اند. لذا هریک از انواع جانوران اعم از حیوانات دست‌آموز و اهلی تا پرندگان و درندگان و خزندگان و حشرات و آبزیان و ... هرکدام نزد قوم ترکمن جایگاهی (مثبت یا منفی) داشته و در زندگی روزمره و آداب و عادات و رفتار فردی و اجتماعی آنان تأثیرگذار بوده‌اند. در این مقاله

به معرفی باورهای ترکمن‌های ساکن سرزمین گرگان و استرآباد (استان گلستان کنونی) پرداخته شده و صرف‌نظر از تأیید یا ردّ این باورها، آنچه مدنظر است صرفاً ثبت و ضبط این باورها است که با تغییر سبک زندگی رو به خاموشی و فراموشی رفته و فراموش شدن آن‌ها، در آینده بازخوانی بسیاری از متون ادبیات ترکمن، تحلیل و ریشه‌یابی نمادها و نقوش و اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های قوم ترکمن را دچار اشکال خواهد نمود. این پژوهش به دو شیوه کتابخانه‌ای و گفت‌وگوی شفاهی انجام شده و در انتقال داده‌ها کمترین دخل و تصرف صورت گرفته است. در این مقاله از تحلیل محتوا خودداری شده و در مواردی به ذکر نمونه‌های مشابه در باورهای سایر اقوام اکتفا شده است.

واژگان کلیدی: قوم ترکمن- باورهای عامه- جانوران- سرزمین گرگان و استرآباد

■ مقدمه

ترکمن‌ها قرن‌ها و هزاره‌ها بدون هیچ واسطه‌ای در دل محیط بکر طبیعی زندگی کرده و با تمامی عناصر طبیعی تعامل تنگاتنگی داشتند. نوع زندگی ایلپاتی و عشایری آنان نیز باعث می‌شد نسبت به اقوام یکجانشین، شناخت گسترده‌تری از طبیعت داشته باشند. از آن‌جا که تا کمتر از یک سده‌ی پیش این نوع زندگی در میان ترکمن‌ها جریان داشته، به همین واسطه بخشی از باورهای آنان با مظاهر و عناصر طبیعت گره خورده است. در باورهای عامیانه ترکمنان، حرکات و سکنتان جانوران به منزله اعلام بروز برخی حوادث و تغییرات جوّی (هواشناسی) بوده است. گاهی نیز بعضی از رفتارهای جانوران، نشانه آمدن مهمان و ... می‌باشد. علاوه بر این، تعدادی از باورهای اسطوره‌ای و افسانه‌ای نیز درباره جانوران وجود داشته و دیدن هر یک از جانوران در خواب نیز تعبیر خاص خود را دارد. در باورهای عامیانه ترکمن‌ها، بعضی از حیوانات خوش‌یمن و برخی بدیمن هستند؛ به بیان دیگر تعدادی از آنان چهره مثبت و بعضی چهره منفی دارند و البته در میان بعضی از طوایف، دیدگاه‌های مختلف وجود دارد، که در این پژوهش به صورت اجمالی به همگی این موارد خواهیم پرداخت. با سرعت تغییرات سبک زندگی، در بین گروه کثیری از ترکمن‌ها این باورها کمرنگ شده و شاید به طور کل رنگ باخته است. در این پژوهش قصد نداریم بر این باورها صحّه گذاشته یا آن‌ها را رد کنیم، بلکه تنها به ثبت و ضبط آن اقدام شده است. چراکه بسیاری از این باورها به منزله‌ی کدهایی در کشف رموز به کار رفته در فرهنگ، ادبیات، هنر و زبان قوم ترکمن خواهد بود، چنان‌که با دانستن آن‌ها می‌توان تفسیر درست‌تر و دقیق‌تری از اشعار پیشینیان، طرح‌های نقش بسته بر روی فرش ترکمن، پوشاک ترکمن و امثال آن ارائه داد. در این پژوهش، هریک

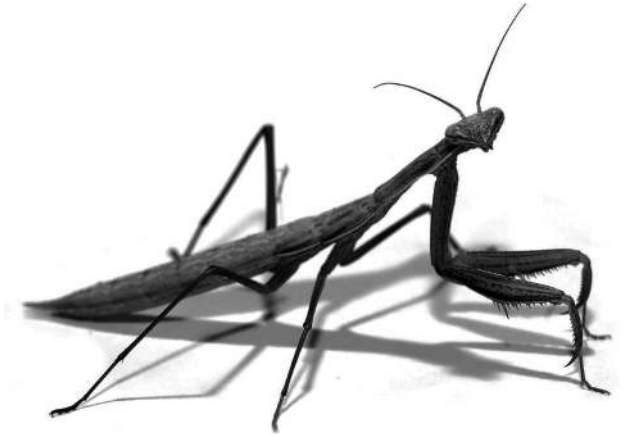
از جانوران که در بین ترکمن‌ها باوری در مورد آنان وجود دارد، به عنوان یک مدخل محسوب شده و به ترتیب الفبای فارسی بررسی خواهد شد.

■ باورهای مرتبط با جانوران (قسمت نخست)

آب‌دزدک: اگر آب‌دزدک، در شب، در محلی که آب باشد، آواز سر نهد، فردای آن روز هوا خفه و گرفته خواهد شد.



آخوندک: در باور ترکمن‌ها، کشتن آخوندک (نوعی حشره) کلاً گناه است. یکی از درمان‌های توصیه شده برای زگیل دست، انداختن آخوندک بر روی آن بود. گذشتگان می‌گفتند که گاز گرفتن آخوندک باعث درمان زگیل می‌شود. نمی‌توان گفت که این کار جنبه علمی داشته یا جنبه روانشناسی داشته است؛ ولی افراد دعا می‌کردند که زگیل آن‌ها با گاز گرفتن آخوندک بهبود یابد.



آفتاب‌پرست: منظور از آفتاب‌پرست نوعی مارمولک بزرگ یا سوسمار کوچک است. نُخوری‌ها می‌گویند آفتاب‌پرست به آفتاب نگاه می‌کند و نماز می‌خواند و در واقع نمازخوان‌ها را مسخره می‌کند. بنابراین نُخوری‌ها به سوی آفتاب‌پرست، سنگ پرتاب می‌کنند؛ تا دست از مسخره کردن بردارد.

اسب: اسب این حیوان نجیب و دوست داشتنی در تاریخ، فرهنگ، ادبیات و فرهنگ عامه ترکمن حضوری پررنگ دارد. به خاطر اهمیت ویژه و نقش مهم اسب در میان ترکمن‌ها، جا دارد که قبل از پرداختن به باورهای عامیانه، نکاتی درباره جایگاه اسب آورده شود. سفرنامه نویسان درباره اسب ترکمنان مطالب بسیاری نوشته‌اند. به نوشته آنان، ترکمنان از اسب خود با وسواس تمام چون چشمانشان مراقبت می‌کنند و حتی آن را بالاتر از زن و فرزند خود می‌دانند و بیشتر از خودشان به اسب اهمیت می‌دهند. ترکمن‌ها «به اسب‌هایشان علاقه‌مندند و به افتخارشان سرود می‌خوانند».

اسب در افسانه‌های ترکمن نیز جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. نگارنده در مقاله‌ای به تفصیل به این مورد پرداخته، لذا در این جا نتیجه آن را می‌آورد. اسب‌ها در برخی از افسانه‌های ترکمنی زبان آدمی را می‌فهمند و هم‌چنین به زبان انسان‌ها سخن می‌گویند. آن‌ها مقاوم و پُرتحمل، عاقل و فهیم، مدبّر و قدرشناس هستند. منشأ برخی از اسب‌ها آب است و در مواردی قدرت جادویی دارند. اسب‌ها در بسیاری از افسانه‌ها در خدمت قهرمان و یاریگر او هستند. آن‌ها می‌توانند پرواز کنند.

در گذشته اسب در پیروزی ترکمن‌ها در جنگ‌ها نقش بسزایی داشت. ترکمنان با کمک اسب‌های خود می‌توانستند در مواقع ضروری با سرعت تمام پیش بروند و یا از دست دشمن بگریزند. اسب، یار و یاور صاحبانش بوده است. ترکمن‌ها «معتقد بودند که هر گاه باتیری (بهادری) در جنگ دچار مشکل می‌شد، با آتش زدن موی اسب، خود را رهایی می‌داد؛ چون معتقد بودند وقتی موی اسب را آتش بزنند، اسب‌های زیادی می‌آیند و آن‌ها را کمک می‌کنند و هر گاه باتیر (بهادر) در حال جنگ می‌خواست آبی بنوشد، باید ابتدا کمی از آن آب را روی یال اسبش بپاشد، بعد می‌توانست از آب بخورد.

«اسب، از بدو پیدایش، بازندگی این قوم [ترکمنان]، آمیخته و گره خورده است. اسب زندگی ترکمن است. در بزم و رزم، در بیلاق و قشلاق، در سفر و حضر و در همه جا با ترکمن بوده [است] و ترکمنان اسب‌های خودشان را چون برادر خود عزیز می‌دانستند» و هم‌چنین «اسب همواره یکی از نزدیکترین دوستان مرد ترکمن بوده و هست». «به نظر ترکمن‌ها، اسب حس و عاطفه دارد و هیچ وقت صاحب خود را لگد نمی‌کند» و اسب خوب هیچ وقت صاحبش را به زمین نمی‌زند و اگر سوارش را زمین بزند، به جایی می‌زند که حتماً به سوار آسیب نرسد. اگر ادعا کنیم که اسب بال ترکمن بوده است، اغراق نکرده‌ایم.

«ترکمن‌ها به اسب به عنوان یک حیوان مقدس می‌نگرند و «ترکمنان عقیده داشته‌اند بادی که در هنگام تاختن، از بین دو گوش اسب و چابک سوار می‌وزد، همان باد بهشت است و این بیانگر اهمیتی است که اسب داشته است.

«ترکمن عاشق اسب است و این علاقه در تاریخ او، به عنوان قومی کوچ‌رو، ریشه دارد... علاقه ترکمن‌ها به اسب را از مراقبت‌های فراوانی که از اسب به عمل می‌آورند و نیز انواع زیورآلات و زین‌های تزئینی و نمدهای جوراجور و رنگارنگ حاشیه‌دوزی شده که بر آن می‌افکنند نیز می‌توان یافت.

«ترکمن‌ها اسب را مایه خیر و برکت می‌دانند اگر اسبی خریدند، بر پیشانی آن آرد می‌مالند که آرد مظهر

نعمت است و یا گوسفندی قربانی کرده و مقداری خون بر پیشانی آن می‌زنند. موی پیشانی آن را هیچ وقت نمی‌زنند، مثل این که خواسته باشند حدیث پیامبر (ص) را پاس دارند که فرموده‌اند: «بر موی پیشانی اسب‌ها تا روز قیامت خیر و برکت است» و این خیر و برکت را در پیشانی اسب‌ها می‌دانند؛ چنان که می‌گویند: «آط ارسغالی آلینده»؛ یعنی رزق و روزی اسب در پیشانی آن است... «اسب مظهر خیر و برکت و شادی نیز هست». و در باوری شبیه به این در پیشانی اسب برکت نهفته است و کسی که اسب نگه می‌دارد، بر رزق و روزی‌اش افزوده می‌شود.

ترکمن‌ها بر این باور هستند که «وجود اسب در جلوی خانه بلاها را دور می‌کند و صدای شیوه اسب بیماری و بلا را از آن خانه دور می‌کند».

در باورهای عامیانه ترکمن‌ها اعتقاد به چشم‌زخم جایگاه ویژه‌ای دارد و برای مقابله با آن شیوه‌های مختلفی را در پیش می‌گیرند. یکی از این شیوه‌ها استفاده «آلاجا یوپ» می‌باشد. از این شیوه درباره اسب‌ها نیز استفاده می‌شود. ترکمنان «بر گردن اسب‌ها آلاجا یوپ [نخ‌های سیاه و سفید] می‌آویزند تا از گزند چشم بد در امان باشد».

باورهای در مورد نعل اسب

برخی از مردم ایران، برای نعل اسب ویژگی‌های خاصی قائل هستند. برای نمونه «مردم بوشهر در مواقعی که شخصی بر اثر حادثه یا پیشامدی به شدت می‌ترسید، نعل اسب را روی آتش داغ می‌کردند، سپس آن را در ظرف آبی قرار می‌دادند، آن‌گاه آب ظرف را به شخص می‌دادند؛ آن‌ها باور داشتند آب نعل اسب دیوان و شیاطین را که در بدن شخص وارد شده‌اند، دور می‌کند».

ترکمن‌ها نیز «معتقدند نعل اسب؛ آن‌ها و خانه‌هایشان را از چشم بد، رعد و برق و یا صاعقه حفظ می‌کند. به همین خاطر ترکمن‌ها نعل‌هایی را بر سردر خانه‌ها و محل کسب و کار آویزان می‌کنند». ادموند اُدنوان، به هنگام اقامت در مرو، در بحث آلاچیق ترکمنان، در ارتباط با نعل اسب، چنین می‌نویسد: «از جمله اوهام و خرافات دیگر ترکمن‌ها یک عدد نعل اسب است که مقابل در آلاچیق روی زمین کار گذاشته‌اند».

گذاشتن نعل اسب جلوی خانه، باعث دور شدن بلا می‌شود. اگر نعل اسب جلوی خانه آویزان شود خوشبختی می‌آورد و در ضمن اگر در خانه زن حامله باشد، صاحب فرزند پسر و آن پسر در آینده، اسب‌سوار می‌شود و از سرزمین خود دفاع می‌کند.

یکی از شیوه‌های مقابله با چشم‌زخم، نصب کردن نعل اسب است:

ساکنان برخی از مناطق ایران معتقد هستند که نعل اسب، چشم‌زخم را دفع می‌کند. برای نمونه، گیلانی‌ها معتقدند که «اگر نعل اسب را به چهارچوب کف دکان بکوبند نیک است، دفع چشم‌زخم می‌شود». در آمل «نعل اسب را برای دفع چشم‌زخم بر سر دروازه یا ایوان خانه نصب می‌کردند. در بین

ترکمنان چنین باوری است که نعل ارتباط بین زمین و آسمان را حفظ می‌کند و مانع چشم‌زخم می‌شود و محافظت می‌کند. ترکمن‌ها معتقدند که اگر جلوی در ورودی یا روی دیوار، نعل کهنه و مستعمل را نصب کنند، جلوی چشم‌زخم را می‌گیرد و گاهی اوقات نعل اسب را در کنار ستون چوبی و یا آهنی ایوان نصب می‌کردند.

اسب در فرهنگ مردم در زمینه‌های مختلف «کاربردهای درمانی» دارد. در باور ترکمنان نیز اسب‌ها توانایی درمان برخی بیماری‌ها را دارند.

در نزد ترکمنان ضمن این‌که «یال و دُم اسب نیز مقدس بوده و در بیرق، پرچم و درفش‌ها استفاده می‌شد. آن‌ها معتقد بودند که این کار پیروزی را به ارمغان می‌آورد»، «اعتقاد داشتند که: هرگاه چشم کسی درد می‌کرد، از دم اسب‌ها چیزی بافته و روی چشم می‌گذاشتند، که اصطلاحاً به آن گُزَلک می‌گفتند تا چشم آن شخص خوب شود».

جالب آن‌که «نگاه به اسب، گاهی بیماران را شفا می‌داد. عطا محمد گلدی‌زاده پیرمرد ۸۷ ساله از روستای اوقچی خالندبی تعریف می‌کند: «چند دهه پیش کسانی که بیمار بودند وقت بهار که یلّقی‌ها (گلّه‌های اسب) با کره‌های تازه به دنیا آمده نزدیک روستا می‌آمدند از خانه‌ها بیرون می‌رفتند تا با دیدن آن‌ها بیماری از آن‌ها دور شود».

ترکمن‌ها «استفاده از شیر یا قمیز آن را باعث مداوای بسیاری از بیماری‌ها می‌دانند».

علاوه بر آن‌چه که آمد، «ترکمن‌ها عقیده دارند: اسب موجودی مقدس و پاک می‌باشد، پس باید انسان پاک و طاهر سوار آن شود، لذا همیشه این باور را دارند که سیس‌ها [مربیان اسب‌ها] و آت‌اوغلان‌ها باید با نماز و در عین پاکی به اسب‌ها آب و غذا دهند یا بر آن‌ها سوار شوند».

در باورهای عامیانه مرتبط به اسب، رنگ آن نیز مورد توجه قرار گرفته است. مردم ایران و سایر نقاط جهان با توجه به رنگ اعضای بدن اسب، آن را خوش‌یمن و یا بدیمن می‌دانند. ترکمن‌ها نیز به این مورد توجه کرده‌اند. «رنگ سفید در باورهای ایرانیان و اکثر اقوام، رنگ ایزدی و تقدس است» و در باور ترکمنان نیز «رنگ سفید.....مقدس است.....سفید یکی از رنگ‌های برتر بوده است». البته برخی از رنگ‌های اسب‌ها مورد پسند ترکمنان نیست که در ادامه به این موارد نیز خواهیم پرداخت.

ترکمن‌ها دو منشأ نژادی برای اسب‌های خود در نظر می‌گیرند و بر همین اساس دو نوع تقدس مبتنی بر رنگ هم دارند، که عبارت است از اسب سفید و اسب قازیلیق. اسب‌های سفیدرنگ را دارای منشأ آبی (برخاسته از دل آب‌ها) می‌دانند. اسب قازیلیق، همان سمند طلایی با یال و دم سیاه می‌باشد. این رنگ نزد ترکمن‌ها ارزش و بهای زیادی دارد. البته در این نوع اسب‌ها بر یال و دم سیاه تأکید می‌شود، چرا که یال و دم سفید را مکروه دانسته و از آن کراهت و دوری دارند. چنان‌که می‌گویند: «آلمه آق یال مله‌نی، باشینگه گتیرر مونگ بیر بلانی»، یعنی اسب سمند با یال و دم سفید نخر، چراکه هزار بلا و درد را به خانه‌ات می‌آورد. شاید این باور ریشه در روایاتی دارد که این رنگ را هم‌رنگ اسب یزید می‌دانند. پس از این دو رنگ، رنگ‌های خاکستری و کهر(دُر)، آل (ابرش)، نزد ترکمن‌ها جایگاه ویژه‌ای داشتند.



اسب خاکستری را متعلق به حضرت خضر و بسیاری از پهلوانان نامی خود می‌دانند. این مطلب را کتاب دده قورقوت نیز تأیید می‌کند. بر اساس مندرجات کتاب دده قورقوت، رنگ ابلق، رنگ شیطانی بوده و آن را رنگ اسب دشمنان معرفی می‌کند. البته بین اسب‌های ترکمن رنگ ابلق وجود ندارد و اگر رنگ ابلق زاده شد، براساس همین باور، آن را بد دانسته و از جلو خانه دور می‌کنند. اسب سیاه‌رنگ را نیز با کمی محافظه‌کاری می‌پذیرند... اسب‌هایی را که در پیشانی یا پاها نشان دارند، دوست داشته و اسبی که دست و پاهایش سفید باشد را «دُلْدُل نشان» می‌گویند. پس سه رنگ ابلق، سیاه یک‌دست، سمند یال و دم سفید را ترکمن‌ها در قدیم چندان دوست نداشتند. «گاهی بر گردن اسب‌ها پارچه‌های سفید می‌بندند تا شادی‌آور باشد».

چند باور دیگر در ارتباط با اسب:

- اگر اسب دو پای جلوییش را چند بار به زمین بزند، نشانه آمدن خبری است؛ ولی خوب یا بد بودن آن مشخص نیست.
 - اگر اسب سکندری بخورد، نشانه آن است که کارت روبراه نمی‌شود. در باوری شبیه به این مورد، «اگر اسب سواری سکندری بخورد، خوب تلقی نمی‌شود؛ ولی با این وجود، باید نیت خوب داشت و آن را به خوبی تعبیر نمود.
 - اگر دو اسب سوار ترکمن در راه با یکدیگر روبرو شوند، آن دو باید با شانه راست با هم روبرو شوند. این عمل بیانگر این منظور است که: «من با نیت بد از جلوی تو در نیامده‌ام».
 - اگر اسب را در طویله‌ی گاو ببندی، آن اسب مستعد بیماری می‌شود.
 - اگر اتفاقات و وقایع گذشته را به گوش اسب بگویند، اسب تندرو شده و می‌خواهد بدود.
- برخی از باورهای مرتبط با دیدن اسب در خواب:

- اگر خواب اسب ببینی، یعنی تو در آینده دارای مقام و جایگاه خواهی شد.
- اگر در خواب سوار اسب شوی، تعبیر آن این است که به مراد خود می‌رسی.
- در خواب سوار اسب سفید شدن و اسب سفید خریدن، نشانه آمدن رزق و روزی مستقیم و نیک‌بختی است.
- اگر شخصی در خوابش سوار اسب شود، به مراد و مقصد خود می‌رسد.

الاغ / خر: اگر الاغ، نشسته عرعر کند، صاحبش خواهد مرد. شبیه این باور را در میان عده‌ای از مردم ایران نیز شاهد هستیم. «مردم برخی مناطق کشور مثل خراسان و توپسرکان، عرعر خر نشسته را نشانه‌ای بر مرگ صاحبش می‌دانند.

- جمجمه خر مرده، جلوی چشم زخم را می‌گیرد. به همان خاطر کشاورزان باید آن را بر سر چوبی در وسط مزرعه قرار دهند.

- در خواب سوار خر شدن، نشانه آمدن رزق و روزی مستقیم است.
- الاغ، سوارش را جایی می‌اندازد که حتماً به او آسیب وارد شود.



جمجمه الاغ

بزغاله: برای خلاصی از نیش مار و عقرب، می‌توان گوشت بزغاله را روی محل نیش‌زدگی گذاشت.

پرستو: در میان ترکمن‌ها پرستو نیز حرمتی ویژه دارد و هیچ‌گاه شکار نمی‌شود، زیرا آن را در اصل پسر بچه یتیم و مظلوم می‌دانند. در این ارتباط حکایتی هم وجود دارد؛ در زمان‌های بسیار کهن، زن و شوهری با یک دختر و یک پسر به خوشی زندگی می‌کردند. از قضا زندگی خوش آن‌ها چندان دوام نیافت و مادر بچه‌ها درگذشت و پدر، با زنی دیگر ازدواج کرد. نامادری شریر چشم دیدن این بچه‌ها را نداشت.

او در هنگام بارداری هر روز از شوهرش یک خوردنی درخواست می‌کرد. تا این که روزی از او تقاضا کرد که پسرش را ذبح کرده، خوراک او قرار دهد. پدر بی‌رحم نیز در غیاب دخترش چنین کرد. وقتی دختر به خانه برگشت، اندام و اعضای برادر کوچکش را در داخل دیگ جوشان دید، گریه و ضجه راه انداخت. در این حین چشم او به پرنده‌ای افتاد که از داخل دیگ به هوا برخاست و چرخ‌های در اتاق زد و گفت: «کافر آتام ولدورمیش / اووی انم بیشیرمیش / بی‌بی جیگیم آغلامیش / منده بولدوم قارلاواچ»، یعنی: «پدر کافر مرا کشت / و نامادریم مرا پخته است / و من با گریه خواهر عزیزم / به پرستویی تبدیل شدم» و از اتاق بیرون پرید.

پرستو در میان ترکمنان پرنده‌ای مقدس به حساب می‌آید. در این ارتباط سه باور وجود دارد: - چون پرستو پرنده مقدسی است، نباید آزاری به آن برسد، زیرا زمانی که سپاه اصحاب فیل به مکه هجوم می‌بردند؛ به اذن خدا پرستوها به آن سپاه سنگ می‌اندازند. اگر به پرستوها آزار برسانی، تو را نفرین می‌کنند.

بهتر است در این ارتباط این مورد توضیح داده شود که «در باور مردم، ابابیل یاد شده در داستان قرآنی ماجرای اصحاب فیل و سنگ‌باران نمودن سپاهیان ابرهه، که به قصد تخریب خانه خدا حرکت می‌کردند، پرستوها هستند و این از جمله داستان‌هایی است که موجب حرمت یافتن پرستو نزد ایرانیان گردیده است.

- به روایتی دیگر این پرنده به مکه مهاجرت می‌کند و خود در آن جا می‌ماند؛ ولی جوجه‌هایش به همان مکان قبلی برمی‌گردند؛ لذا به خاطر رفتن به مکه، این پرنده مقدس است.

جالب است که چنین باوری در میان مردم گیلان نیز وجود دارد. در باور آنان، پرستو به سبب آن که هرساله به مکه سفر می‌کند و بازمی‌گردد، مقدس است. پرستوهای پیر که بیش از یک سال سن دارند، چون به مکه برسند، سر بر سنگ می‌کوبند و خود را هلاک می‌کنند، سال بعد، پرستوهای جوان به محل آشیانه‌سازی بهاری آن‌ها برمی‌گردند.

- وقتی که حضرت ابراهیم را در آتش انداختند؛ روایت است که گنجشک خار و خاشاک می‌آورد و روی آتش می‌انداخت؛ ولی پرستو آب می‌آورد. به همین خاطر ترکمنان این حیوان را مقدس می‌دانند.



سایر باورهای مرتبط با پرستو:

- به نظر ترکمن‌ها پرستو به خانه افراد خوب و باتقوا می‌رود.
- اگر پرستو در خانه‌ای آشیانه بسازد، برای آن خانه خوش‌یمنی می‌آورد.
- اگر پرستو در سقف خانه برای خودش لانه درست کند، می‌گویند که لانه را خراب نکنید. چراکه عروس آن خانه هم مثل پرستو، بچه به دنیا می‌آورد و به‌طور کل لانه ساختن پرستو در سقف یا هر جای دیگر خانه نشانه برکت است.
- تُخُورلی‌ها هم بر این باورند که اگر پرستو در خانه آشیانه درست کند، نباید آشیانه آن را خراب کرد؛ چون پرنده به آن جا پناه آورده است.
- اگر پرستوها جیک‌جیک‌کنان از روی آب پرواز کنند، هوا منقلب می‌شود.
- اگر پرستو در سطح پایین و نزدیک به زمین پرواز کند، باران خواهد بارید.

(پایان قسمت نخست)

* به دلیل جلوگیری از تطویل متن، ارجاعات و فهرست منابع و مآخذ حذف شده و در دفتر نشریه موجود است.